

## سوال

آیا عقیده‌ی امام ابوحنیفه اشکالی دارد؟ چون از بعضی مردم شنیدم که به عقیده‌ی ایشان ایراد می‌گیرند. لطفا در این باره توضیح دهید.

## پاسخ مفصل

الحمدلله.

امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی، بدون شک امامی از ائمه‌ی مسلمان است که اهل علم بر امامت و جلالت و مقام و منزلت ایشان اتفاق دارند.

علی بن عاصم می‌گوید: اگر علم ابوحنیفه را با علم اهل زمانش مقایسه کنند بی‌شک بر آنان برتری می‌یابد.

ابن مبارک - رحمه الله - می‌گوید: ابوحنیفه فقیه‌ترین مردم است.

شافعی - رحمه الله - می‌گوید: مردم در فقه عیال (وابسته‌ی) ابوحنیفه هستند.

خریبی - رحمه الله - می‌گوید: فقط حسود یا جاهل از ابوحنیفه ایراد می‌گیرد.

ذهبی - رحمه الله - رحمه الله می‌گوید: امامت در فقه و ظرایف آن از آن ابوحنیفه است و در این شکی نیست، و اگر روز نیازمند دلیل باشد دیگر هیچ چیز در ذهن مردم به صحت نخواهد رسید. سیرت وی را می‌توان در دو مجلد نگاشت. خداوند از او راضی باد و رحمتش کند. ایشان در سال ۱۵۰ در حال پایداری و با شهادت از دنیا رفت. (سیر أعلام النبلاء: ۶ / ۳۹۰ - ۴۰۳).

عقیده‌ی امام ابوحنیفه در باب توحید و اثبات صفات و رد بر جهمی‌ها و در باب تقدیر و صحابه رضی الله عنهم و دیگر مسائل بزرگ ایمان موافق با راه و روش سلف و دیگر امامان مذاهب است، به جز چند کلمه‌ی کوچک مانند سخن ایشان درباره زیاد و کم نشدن ایمان و سخن ایشان درباره‌ی ایمان که آن را تنها راست شمردن با دل و اقرار با زبان می‌داند و عمل را از حقیقت ایمان خارج می‌داند؛ هر چند سخن ابن عبدالبر و ابن ابی العز در این مورد گونه‌ای است که انگار ایشان از این عقیده‌شان بازگشته‌اند.

مراجعه نمایید به اعتقاد الأئمة الأربعة (صفحه‌ی ۳ - ۸) نوشته‌ی دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید: همی امامان مشهور صفات الله متعال را اثبات می‌کنند و می‌گویند قرآن کلام الله است و مخلوق نیست و می‌گویند الله در آخرت دیده می‌شود؛ این مذهب صحابه و کسانی است که به نیکی از آنان پیروی کرده‌اند، چه از اهل بیت و چه دیگران، و این مذهب امامان مورد پیروی است، همانند مالک بن انس و ثوری و لیث بن سعد و اوزاعی و ابوحنیفه و شافعی و احمد بن حنبل و اسحاق... (منهاج السنة النبویة: ۲/ ۵۴).

عقیده‌ی طحاوی که توسط ابوجعفر طحاوی حنفی - رحمه الله - نوشته شده جز در برخی موارد اندک بر راه و روش اهل سنت است، به همین سبب میان علمای مسلمان و شاگردان آنان رواج داشت تا جایی که امروزه در بسیاری از دانشگاه‌ها و مساجد و مراکز علمی تدریس می‌شود.

طحاوی در مقدمه‌ی این کتاب می‌گوید:

این بیان عقیده‌ی اهل سنت و جماعت بر اساس مذهب فقهای امت: ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی و ابویوسف یعقوب بن ابراهیم انصاری، و ابوعبدالله محمد بن حسن شیبانی - رضوان الله علیهم اجمعین - و اعتقاد آنان در اصول دین است که بر اساس آن دین پرورگارش را ادا می‌کنند.

اما از آنجایی که بسیاری از پیروان امام ابوحنیفه [در قرون متاخر] بر مذهب اشعری‌ها و ماتریدی‌ها بودند بسیاری از موارد مخالف با عقیده‌ی سلف و بلکه مخالفت با اعتقاد خود امام حنیفه وارد این مذهب شده است. به همین سبب بسیاری از اعتقاداتی که به ابوحنیفه نسبت داده می‌شود از ایشان ثابت نیست و بلکه سخن برخی از پیروان مذهب اوست.

ابن ابی العز حنفی - رحمه الله - می‌گوید:

ظاهر آن است که این موارد مخالف [با عقیده‌ی سلف] از ابوحنیفه ثابت نشده، بلکه از برخی اصحاب [مذهب] است چرا که غالب آن ساقط [و بی ارزش] است و ممکن نیست ابوحنیفه به آن راضی باشد. (شرح العقیده الطحاویة: ۲۲۶).

شیخ ابن جبرین - رحمه الله - می‌گوید: ابوحنیفه و امامان چهار مذهب از خط سلف خارج نشده‌اند، جز اینکه ناگزیر هر یک از آنان دارای اشتباهاتی اندک هستند اما پیروان در یک وادی و امامان در یک وادی دیگرند.

بنابراین واجب است در مورد امامان مسلمانی که بر عدالت و جلالت و امامات آنان در دین [میان مسلمانان] اتفاق نظر است، از بیان سخنانی که حاوی ایراد و توهین است خودداری شود، چرا که گوشت علما مسموم است و هر کس سخنان پذیرفته یا رد می‌شود مگر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - [که همه‌ی سخنانش پذیرفته می‌شود]. برای مسلمان همین کافی است که عقیده‌ی صحیح را بداند و از آن پیروی نماید و هر آنچه در مخالفت با آن است را کنار بگذارد و سخنی نگوید که چه بسا طعنه یا توهین به یکی از فضیلتی امت و صالحان و علمای آن به حساب آید.

هنگامی که زهبی و ابن کثیر و دیگران مورخان اهل سنت شرح حال امام ابوحنیفه را نوشتند هیچ مساله‌ای را که موجب کسر شأن این امام شود ذکر نکرده‌اند، چرا که امام احمد و دیگران بر این نظر هستند که این [عقاید] از امام ابوحنیفه - رحمه الله - ثابت نشده و سپس این قضیه را مختومه اعلام کرده‌اند و امر آنان بر مقدم بودن امام ابوحنیفه و شهرت ایشان در امامت مستقر ماند.

شیخ عبدالرحمن المعلمی - رحمه الله - درباره‌ی کسانی که اینگونه مسائل را [در ایراد بر امام ابوحنیفه] یادآوری می‌کنند می‌گوید:

**مقتضای حکمت در پیروی از چیزی است که اهل علم از حدود هفتصد سال پیش به آن اقرار نموده‌اند، یعنی پرده انداختن بر آن احوال و تبادل ثنا و ستایش (التنکیل: ۸ / ۱۰۱).**

بر این اساس هیچکس اجازه ندارد در عقیده‌ی امامی از ائمه‌ی مسلمین مانند ابوحنیفه - رحمه الله - که مسلمانان به علم و فضل وی شهادت داده‌اند طعن وارد سازد و هر که چنین کند سزاوار مجازاتی است که او و امثال او را از این کار زشت باز بدارد.

برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه به کتاب **أصول الدین عند الإمام أبي حنيفة** نوشته‌ی دکتر خمیس - حفظه الله - مراجعه کنید.

برای شناخت بیشتر درباره‌ی مذهب امام ابوحنیفه - رحمه الله - پاسخ سوال شماره‌ی (46992) را بخوانید.

والله اعلم.